

مطالعه تطبیقی امکان طرح دعوی مسئولیت مدنی شخص نیکوکار در فقه و حقوق کامن لا

مریم ثقفی*

عباس نیازی**

DOI: 10.22096/law.2021.95612.1343

[تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۷/۲۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۱۶]

چکیده

قاعده احسان از جمله قواعد فقهی است که در جهت حمایت از اشخاص محسن، ضمان ناشی از اعمال آنان را منتفی میداند. مشابه این قاعده، نظریه «مصونیت نیکوکار» است که با سابقه‌ای دوهزارساله در حقوق کامن لا شکل گرفته و مانند «قاعده احسان»، نیکوکاران را معاف از مسئولیت می‌شمارد. هر یک از این قواعد، شرایطی را برای نیکوکار برشمرده‌اند که در دو شرط اقدام بر اساس حسن نیت یا انگیزه احسان و عدم دریافت عوض برای عمل انجام‌شده، اتفاق نظر دارند. صرف‌نظر از مسئله معافیت نیکوکاران که در منابع حقوقی متعددی بررسی شده است، موضوع قابل توجه حدود معافیت نیکوکاران از مسئولیت است که مطلق نیست. شخص نیکوکار نیز در شرایطی مسئول خسارات وارده از اعمال خود است؛ هرچند اقدام او با انگیزه احسان و بلاعوض باشد. از جمله این موارد ایجاد خسارات عمدی، ضرر بیشتر و وجود تکلیف قانونی یا قراردادی در کمک به دیگران یا ایراد ضرر به صورت ائتلاف است که این امر در قانون مجازات سابق به صراحت پیش‌بینی شده بود، لیکن حذف عباراتی در قانون جدید موجب تشکیک در امکان طرح مسئولیت مدنی نیکوکار شده است. در نظام حقوقی کامن لا نیز نیکوکاران معاف از مسئولیت نیستند و در فرضی که تکلیفی قانونی یا قراردادی داشته باشند یا اینکه موجبات ضرری بیش از آنچه را حادثه برای قربانی ایجاد کرده است فراهم آورند و یا مرتکب تقصیر سنگین شوند، مسئولیت جبران خسارات وارده بر آنان تحمیل می‌گردد. **واژگان کلیدی:** قاعده احسان؛ مصونیت نیکوکار؛ مسئولیت مدنی؛ محسن؛ نیکوکار.

Email: m.saqafi@hotmail.com

* استادیار گروه حقوق دانشگاه زنجان، زنجان، ایران

** دکترای حقوق خصوصی دانشگاه اصفهان، قاضی دادگستری تهران، تهران، ایران. «نویسنده مسئول»

Email: abasniazi@ut.ac.ir



مقدمه

در همه ادیان و جوامع بشری، نیکی و احسان به دیگری عملی پسندیده است و نیکوکاران مورد احترام و تحسین دیگران هستند. کمک و احسان به دیگران به اندازه‌ای ارزشمند است که حتی در برخی نظام‌های حقوقی، چنانچه شخص نیکوکار در حین اقدامات نیکوکارانه خویش سبب اضرار به دیگری گردد، مسئول ضرر و زیان وارده به شمار نمی‌آید. در نظام حقوقی ایران، قاعده احسان که برگرفته از آیات قرآن کریم است مؤید این مطلب بوده، در قانون مجازات اسلامی، محسن فاقد مسئولیت شناخته شده است. در نظام‌های حقوقی دیگر، نظیر نظام حقوقی کامن‌لا نیز شخص نیکوکار مصون از مسئولیت است، اما نه در فقه و نه در نظام‌های حقوقی ایران و کامن‌لا، دایره این مصونیت برخلاف ظاهر آن گسترده و بی‌حد و حصر نیست، بلکه در برخی موارد محدود شده و نیکوکار همچون دیگر عاملین ضرر، مسئول جبران خسارات وارده است؛ برای مثال زمانی که شخصی به عمد حادثه‌ای را ایجاد کند و سپس در صدد جبران عمل خویش برآید و یا هنگامی که با احسان خویش سبب ایجاد موقعیتی به مراتب وخیم‌تر از قبل از دخالت خود گردد، چشم‌پوشی از مسئولیت او عادلانه نیست. از این رو، در این مقاله به مواردی پرداخته می‌شود که نه تنها نیکوکار تحسین نمی‌شود، بلکه برای ایجاد ضرر و زیان وارده دارای مسئولیت مدنی است و به‌عنوان ضامن اعمال خویش معرفی می‌شود. در این راستا، در فقه و نظام حقوقی ایران به بررسی قاعده احسان و مواردی که از شمول این قاعده خارج است، پرداخته می‌شود و به دلیل نزدیک بودن نظریه «مصونیت نیکوکاران» (Good Samaritan Immunity) در نظام حقوقی کامن‌لا به قاعده احسان، به تطبیق با این موضوع پرداخته می‌شود. لازم است گفته شود که در زمینه مسئولیت مدنی و قاعده احسان، مقالات و کتب و پایان‌نامه‌هایی موجود است که به مطالعه تطبیقی حقوق ایران با حقوق فرانسه پرداخته^۱ و پیش‌ازین، به تطبیق حقوق کامن‌لا اشاره نشده است. همچنین در نظریه «مصونیت نیکوکار» راهکارهایی مطرح شده که در حقوق ایران و فقه نیز قابل بررسی و در مواردی قابل استفاده است. در این راستا، نخست قاعده احسان و مصونیت نیکوکار تبیین شده و سپس موارد تخصیص این قاعده و مسئولیت محسن بررسی شده است.

۱. قاعده احسان و نظریه مصونیت نیکوکاران

قاعده احسان از جمله قواعد فقهی است که مشابه نظریه مصونیت نیکوکار در نظام حقوقی کامن‌لاست. هر دو این قواعد با اندک تفاوتی از معافیت محسن و نیکوکار از ضمان ناشی از اقدامات آنان سخن می‌گویند. لذا در ذیل به شناسایی این دو نهاد مشابه پرداخته می‌شود.

۱. نک: صفایی و رحیمی، ۱۳۹۵: ۱۸۰-۱۸۷.

مطالعه تطبیقی امکان طرح دعوای مسئولیت مدنی شخص نیکوکار... / نیازی و تقفی ۵۹

۱-۱. قاعده احسان و عدم ضمان محسن

احسان در لغت به معنای خوبی، نیکی، نیکوکاری^۱ و محسن نیز به معنای نیکوکار و احسان کننده است.^۲ قاعده احسان برگرفته از آیات «ما عَلَى الْمُحْسِنِينَ مِنْ سَبِيلٍ»^۳ و «هَلْ جِزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ»^۴ است.^۵ بر اساس این آیات، خداوند راهی را که موجب ضرر نیکوکاران شود، ممنوع ساخته و هر نوع ملامت و ندامت ایشان را منع کرده است. از این رو، اگر محسن بر مال دیگری تسلط یابد، مشمول قاعده علی البید نمی شود و ضامن نقص و تلف مال نیست. البته این معافیت از ضمان، محصور در ضرر به اموال نبوده،^۶ خسارات بدنی را نیز در برمی گیرد. عدم ضمان محسن نه تنها از طریق استناد به نص قرآن و اجماع فقها قابل اثبات است، بلکه عقل و بنای عقلا نیز چنین حکمی را تأیید می کند؛^۷ زیرا بنای عقلا مؤاخذه کسی را که به قصد احسان اقدام کرده است، قبیح می داند.^۸

درباره اینکه چه کسانی مشمول این قاعده و به عبارتی، محسن محسوب می شوند نظریات متعددی مطرح شده است. برخی محسن را کسی می دانند که قصد جلب منفعت یا دفع ضرر از غیر را داشته باشد^۹ و لذا قصد احسان محض را شرط تحقق احسان دانسته،^{۱۰} در صورت شك در قصد شخص، احکام ضمان را جاری می کنند.^{۱۱}

عده ای دیگر بدون ذکر قصد محسن، او را شخصی می دانند که نفعی مالی یا اعتباری به دیگری می رساند و یا ضرری مالی یا اعتباری را از دیگری دفع می کند.^{۱۲} در نظر دیگری، برای عدم ضمان شخص افزون بر قصد احسان، انطباق اقدام او با احسان واقعی نیز ضروری است؛^{۱۳} به این معنا که باید عمل شخص با معنای حقیقی احسان منطبق باشد. در تحلیل بیانات فوق به نظر می رسد که نظر اخیر با عدالت^{۱۴} و بنای عقلا سازگارتر است؛ زیرا آنچه با اهمیت است، قصد

۱. نک: معین، ۱۳۶۰: ۱۵۸/۱.

۲. نک: معین، ۱۳۶۰: ۳۹۰۶/۳.

۳. الرحمن: ۶۰.

۴. نک: مراغی، ۱۴۱۷: ۲/۴۷۴-۴۷۵.

۵. نک: طاهری، ۱۴۱۸: ۲/۲۶۸.

۶. نک: مراغی، ۱۴۱۷: ۲/۴۷۹.

۷. نک: مصطفوی، ۱۴۲۱: ۲۹.

۸. نک: نجفی، بی تا: ۷.

۹. نک: عاملی، ۱۴۱۳: ۲/۴۵۸.

۱۰. نک: نجفی، بی تا: ۷.

۱۱. نک: بجنوردی، ۱۴۱۹: ۴/۱۰.

۱۲. نک: بجنوردی، ۱۴۱۹: ۴/۱۳.

۱۳. در این متن منظور از عدالت هر آن چیزی است که فطرت انسان حکم به استقامت و درستی آن نماید. نک: ابن منظور،

۱۴۱۴: ۴۳۰/۱۱.

نیکی و احسان شخص و اقدام او در این راستاست. حال اگر با این انگیزه نتواند منفعتی به دیگری برساند و یا به نحوی اقدام کند که ضرر وارده بر طرف گردد، مسئول نیست.^۱ از سوی دیگر، قصد احسان منافاتی با بهره‌مندی محسن از عمل خود ندارد. اگر شخصی به قصد احسان به دیگران اقدامی انجام دهد، لیکن خود نیز یکی از منتفعان باشد، باز هم مشمول قاعده احسان است و مسئول خسارات وارده نیست.^۲

البته در جایی که کسی صرفاً برای منفعت یا دفع ضرر غیر اقدام می‌کند، شائبه انتفاع خود او مطرح نمی‌شود.^۳ برای استناد به قاعده احسان، افزون بر قصد احسان به دیگری، عدم دریافت عوض و دستمزد برای اقدام انجام‌شده نیز شرط است. به همین دلیل، برخی فقها معتقدند پزشک محسن نیست؛ زیرا برای انجام عمل طبابت اجرت دریافت می‌کند، مگر اینکه اقدامات او تبرعی باشد.^۴ ممکن است گفته شود که در برخی موارد که شخص مبلغی اندک در برابر خدمات خود دریافت می‌کند، چرا نباید قاعده احسان را درباره او جاری دانست؟ مانند آتش‌نشان‌ها که خدماتشان ارزشی بسیار بیشتر از حقوق دریافتی آنان دارد. در پاسخ باید گفت که به نظر می‌رسد در بسیاری از مشاغل، انگیزه احسان و خدمت به مردم موجود است؛ نظیر پرستاری، طبابت، نیروهای امدادی هلال احمر و نیروی انتظامی، اما در همه این مشاغل افزون بر انگیزه احسان، اخذ حقوق و دستمزد نیز موضوعیت دارد و شاید اگر این مشاغل افتخاری باشد، بسیاری از علاقه‌مندان آن با وجود انگیزه احسان، از انجام این امور خودداری کنند.^۵

در جمع‌بندی مطالب فوق می‌توان گفت چه تبرع را شرط بدانیم و چه عوض را در برابر احسان محسن، ناچیز به شمار آوریم، محسن کسی است که به انگیزه احسان به دیگری، به دفع ضرر اقدام می‌کند. ماده ۵۱۰ قانون مجازات اسلامی نیز در تأیید این مطلب مقرر می‌کند: «هرگاه شخصی با انگیزه احسان و کمک به دیگری رفتاری را که به جهت حفظ مال، جان، عرض یا ناموس او لازم است، انجام دهد و همان عمل موجب صدمه و یا خسارت شود، در صورت رعایت مقررات قانونی و نکات ایمنی، ضامن نیست».

۱. نک: محقق داماد، ۱۴۰۶ ق: ۲ / ۳۰۳.

۲. نک: مصطفوی، ۱۳۸۴: ۷۸.

۳. نک: سعدی، ۱۳۹۰: ۶۵.

۴. نک: آیتی جواهری، ۱۳۸۷: ۲۳؛ بهرامی احمدی، ۱۳۹۵: ۱۵۷.

۵. نک: بهرامی احمدی، ۱۳۹۵: ۱۵۸. در متن لایحه ماده ۵۱۰ قانون مجازات اسلامی عبارت «به‌طور رایگان» قید شده بود که در تصویب نهایی ماده این عبارت در مجلس حذف شد.

مطالعه تطبیقی امکان طرح دعوای مسئولیت مدنی شخص نیکوکار... / نیازی و تقفی ۶۸

۲-۱. نظریه مصونیت نیکوکار

مطابق قواعد عمومی بیشتر نظام‌های حقوقی، هیچ شخصی وظیفه ندارد دیگری را در مواقع بحرانی و خطر یاری نماید.^۱ در این راستا، قاعده آمریکایی تماشاگر (American Bystander Rule) بیان می‌کند که تماشاگر يك حادثه خطرناك قانوناً هیچ وظیفه‌ای برای کمک به دیگران ندارد؛^۲ زیرا قانون، اشخاصی نظیر آتش‌نشان‌ها و اورژانس‌های پزشکی را موظف به امدادسانی کرده است.^۳ این قاعده برای اولین بار در سال ۱۹۰۷ میلادی در پرونده‌های آمریکایی^۴ مطرح شد. در این پرونده دادگاه عالی می‌شیگان حکم کرد که اگرچه خواهان در منزل خوانده به علت مصرف بیش‌ازحد الکل و مواد مخدر نیازمند کمک فوری بوده است، لیکن خوانده وظیفه و مسئولیتی در امدادسانی و حفظ جان او نداشته است.^۵ به همین دلیل، نیکوکاری که داوطلبانه و بدون هیچ‌گونه وظیفه قانونی به یاری دیگران می‌شتابد، مصون از مسئولیت مدنی و کیفری است.^۶

این مصونیت قدمتی دوهزارساله دارد^۷ و ابتدا در قوانین کامن لا مطرح شده است؛ لیکن امروزه در قوانین بسیاری از کشورهای حقوق‌نویسته، نظیر حقوق کیفری هلند نیز دیده می‌شود.^۸ فلسفه شناسایی نهاد مصونیت نیکوکار جلوگیری از اقامه دعوی قربانی بود که در حین امدادسانی داوطلبانه پزشکان آسیب می‌دید؛ زیرا جلوگیری از حق شکایت قربانیان، پزشکان را به انجام اقدامات داوطلبانه برای نجات جان دیگران ترغیب می‌کرد.^۹ همچنین، این قاعده سبب تشویق مردم به نیکوکاری و کمک به دیگران می‌شد تا آنان به‌دوراز ترس از مسئولیت در مواقع اضطراری به کمک آسیب‌دیدگان بشتابند.^{۱۰} البته اغلب قوانین مصونیت نیکوکار به پزشکان مربوط می‌شود و قوانین کمتری به مصونیت عموم مردم اختصاص دارد.^{۱۱}

نمونه مصونیت يك نیکوکار را می‌توان در پرونده‌ای کانادایی^{۱۲} ملاحظه کرد. در این پرونده دو

1. See: Morissette, 2009: 39.

2. See: Samaha, 2011:93.

3. See: Sharpe, 1999: 131.

4. People V. Beardsley 150 Mich.206, 113N.w.1128 (1907).

5. See: Lippman, 2010: 95.

6. See: Hudson, 2010: 324.

7. See: Somit, Peterson, 2003: 181.

8. See: Smits, 2000: 31.

7. See: Hafter, Fedor, 2004: 47.

10. See: Morissette, 2009: 39-41.

11. See: Lewis, Tamparo, Tatro, 2012: 103.

12. Van Horn V. Watson ca (Torti, Respondent) (Consolidated Causes) (S152360).

دوست که در شب هالووین الکل و مواد مخدر مصرف کرده بودند با دو اتومبیل جداگانه راهی منزل هایشان می‌شوند. در مسیر حرکت ناگهان اتومبیل خواهان کنترل خود را از دست می‌دهد و واژگون می‌شود. خوانده که در اتومبیل دیگری بوده است برای نجات دوستش توقف می‌کند و او را از اتومبیلش بیرون می‌کشد، اما در هنگام امدادرسانی سبب صدمه به ستون فقرات او شده، موجب می‌شود که خواهان برای همیشه فلج شود. خواهان علیه او اقامه دعوی می‌کند که بدون کمک خوانده نیز قادر به نجات خود، بدون اینکه به ستون فقراتش آسیبی برسد، بوده است، اما دادگاه به‌رغم اظهارات خواهان به استناد مصونیت نیکوکار، حکم برائت خوانده را صادر می‌کند.^۱

اما در قاعده مصونیت نیکوکار نیز همچون قاعده احسان، عدم ضمان شخص منوط به شرایطی است: ۱. شخص با حسن نیت و به‌منظور کمک به دیگری اقدام نماید؛ ۲. اقدام او داوطلبانه باشد؛ ۳. اقدام انجام‌شده رایگان^۳ باشد؛ ۴. موقعیت فوری و ضروری باشد؛^۵ ۵. شخص نیکوکار به‌طور متعارف صلاحیت انجام اقدام موردنظر را داشته باشد.^۶ همچنان که ملاحظه می‌شود، محدوده قاعده مصونیت نیکوکار به وسعت قاعده احسان نیست؛ زیرا این قاعده مربوط به مواقع اضطراری است که در آن بیم آسیب جسمی انسان‌ها وجود دارد.

با این حال، شرایطی که برای نیکوکار بودن یک شخص در نظر گرفته شده شبیه به شرایطی است که در مورد قاعده احسان بررسی شد. از این‌رو، به نظر می‌رسد قاعده احسان و مصونیت نیکوکار تقریباً قابل تطبیق هستند. ثمره این تطبیق در شناسایی مواردی است که از حیثه مصونیت در این قواعد خارج شده، به‌نوعی این قواعد را تخصیص زده و موجب مسئولیت نیکوکار می‌شوند. مواردی که برخی از آن‌ها در فقه و حقوق ایران و برخی در حقوق کامن‌لا مطرح شده‌اند.

۲. موارد تخصیص مصونیت نیکوکار و محسن

اگرچه برخی معتقدند که نفی سبیل از محسن از عموماًتی است که تخصیص آن روا نیست،^۷ لیکن در فقه و حقوق ایران و دیگر نظام‌های حقوقی مواردی مطرح شده است که نیکوکار مصون از مسئولیت نیست. این موارد در نظریه مصونیت نیکوکار، قاعده احسان و حقوق ایران به‌صورت مجزا بررسی می‌شود.

1. See: Rodway, 2009: 17-18.

2. See: Richards, Rathbun, 1999: 179.

۳. در قانون ایالت فلوریدا نیز به این شرط تصریح شده است (Couing, Kelley, 2012: 30/82).

4. See: MacDonald, Burgess, 2010: 4-10.

5. See: Hudson, 2010: 324.

6. See: Wilkinson, Treas, 2011: 1/113.

۷. نک: الشریف، ۱۳۹۲: ۴۱۳.

مطالعه تطبیقی امکان طرح دعوای مسئولیت مدنی شخص نیکوکار... / نیازی و تقفی ۶۳

۱-۲. موارد تخصیص در نظریه مصونیت نیکوکار

ایجاد ضرر بیشتر، وجود تکلیف قانونی یا قراردادی و ارتکاب تقصیر سنگین از سوی نیکوکار، به عنوان موارد تخصیص مصونیت بررسی می شوند.

۱-۱-۲. ایجاد ضرر بیشتر

در صورتی که اقدام شخص نیکوکار، طرف مقابل را در موقعیتی وخیم تر از قبل قرار دهد، این امر موجب مصونیت نیکوکار نمی شود؛^۱ نمونه این امر هنگامی است که شخص، مصدومی را در کنار جاده می بیند و به نیت کمک، او را سوار اتومبیل خود می کند؛ در حالی که از کمبود بنزین اتومبیل خود بی اطلاع است. چنانچه در این مثال بنزین اتومبیل نیکوکار در راه بیمارستان تمام شود و سبب گردد که مصدوم از خونریزی شدید فوت کند، نیکوکار مصدوم را در وضعیتی وخیم تر قرار داده و ضرر بیشتری به او وارد کرده است.^۲ در این شرایط، فرض می شود که او می توانست به دیگری کمک نماید، بدون اینکه خود مداخله ای در این کار داشته باشد؛^۳ برای مثال می توانست به جای سوار کردن مصدوم در اتومبیل بدون بنزین خود، به اورژانس اطلاع دهد و یا از راننده دیگری کمک گیرد.

۲-۱-۲. وجود تکلیف قانونی یا قراردادی

نیکوکار در صورتی معاف از مسئولیت است که هیچ گونه تکلیف قانونی یا قراردادی برای کمک به دیگران نداشته باشد.^۴ لذا اگر کمک به دیگران وظیفه شخص باشد و او در این راستا موجب اضرار به غیر گردد، مسئول اعمال خویش است؛^۵ زیرا مصونیت برای تشویق مردم در کمک به دیگران ایجاد شده است نه برای محو مسئولیت عامل زیان؛^۶ بنابراین اگر امدادگران یا پرستاران در محدوده کاری خود به نجات دیگری اقدام کنند، اقدام آنان شامل قوانین مصونیت نیکوکار نمی شود،^۷ اما اگر همین اشخاص خارج از بیمارستان، محل کار و زمان کاری اقدام به نیکوکاری نمایند، مصون از مسئولیت هستند.^۸ البته در حقوق ایران، به تبع از فقه در رفع این تعارض که محسن ممکن است

1. See: Mulheron, 2010: 207.

2. See: Waisman, 2011: 50.

3. See: Waisman, 2011: 52.

4. See: Morissette, 2009: 39.

۵. نک: «کنکاشی پیرامون مسئولیت محسن نسبت به شخص ثالث در قاعده احسان» (کاظمی نافچی؛ محمدرضا و حسین موجودی، مطالعات علوم سیاسی و حقوق، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۵، ص ۱۱۲-۱۳۴).

6. See: Best, Barnes, 2007: 509.

7. See: MacDonald, Burgess, 2010: 4-10.

8. See: Couing, Kelley, 2012: 82.

متلف مال غیر گردد، مشهور آن است که قاعده احسان حاکم بر ادله ضمان است.^۱ در نتیجه، قاعده احسان تخصیص قاعده اتلاف خواهد بود؛^۲ بنابراین در صورت اثبات احسان، شخص مسئول تسبیب در ورود زیان نخواهد بود.^۳

۲-۱-۳. ارتکاب تقصیر سنگین^۴

قوانین مربوط به نیکوکاری از مرتکبین تقصیر عادی و معمولی حمایت می‌کند؛^۵ بنابراین مصونیت نیکوکاران در برابر تقصیر سنگین آن‌ها کارایی ندارد.^۶ توضیح اینکه در حقوق رم تقصیر به سنگین، سبک و بسیار سبک تقسیم شده است. تقصیر سنگین تقصیری است آن‌چنان بزرگ و فاحش که معادل تقصیر عمدی به شمار می‌رود؛ زمانی که شخص کمترین احتیاط و مراقبتی را به کار نمی‌بندد.^۷ تقصیر سبک تقصیری است که شخص با احتیاط متوسط مرتکب آن نمی‌شود و تقصیر بسیار سبک تقصیری است که شخص بسیار محتاط و آگاه مرتکب آن نمی‌شود.^۸ از آنجا که تقصیر سنگین نیکوکار مورد حمایت قرار نمی‌گیرد، به‌طریق اولی اضرار عمدی او نیز موجب مسئولیت است؛^۹ برای نمونه هنگامی که شخص در اثر مصرف الکل و مواد مخدر هوشیاری چندانی ندارد و باین‌وجود به دیگران کمک می‌کند و با اعمال خود به آنان صدمه می‌زند.^{۱۰} نکته قابل توجه این است که اگر شخصی خود به دیگری صدمه وارد نماید و سپس در صدد جبران برآید، از مسئولیت مصون نیست.^{۱۱}

۲-۲. موارد تخصیص در قاعده احسان و حقوق ایران

در این مبحث افزون بر موارد تخصیص قاعده احسان، موضوع اتلاف از سوی نیکوکار نیز بررسی می‌شود.

۲-۱-۱. ایجاد ضرر بیشتر

برخی از فقها بیان می‌کنند در صورتی اقدام شخص را می‌توان احسان تلقی کرد که منفعت عمل او بیش از ضرر باشد. از این‌رو، اگر ضرر بیشتر از منفعت و یا حتی مساوی با منفعت باشد، احسان

۱. نک: مرعشی، ۱۴۲۷ق: ۱۵۴/۲.

۲. نک: بجنوردی، ۱۴۰۱ق: ۱/۳۷.

۳. نک: یزدانیان و نیازی، ۱۳۹۶: ۶۵.

4. Grass Negligence.

5. See: Hudson, 2010: 323.

6. See: Schwab, Gelfman, 2005: 171.

7. See: Carper, Mckinsey, 2012: 319.

۸. نک: صفائی، ۱۳۶۴: ۱۷۰.

9. See: Sharpe, 1999: 31; Carper, Mckinsey, 2012: 319.

10. See: Staunton, Chiarella, 2013: 132.

11. See: Rodway, 2009: 14.

مطالعه تطبیقی امکان طرح دعوای مسئولیت مدنی شخص نیکوکار... / نیازی و تقفی ۶۵

صدق نمی‌کند؛ زیرا اگر ضرر بیشتر باشد، این امر اسائه است و چنانچه مساوی باشد، عمل لغو است نه احسان.^۱ البته می‌توان گفت انگیزه احسان و عدم دریافت عوض برای اقدام انجام شده کافی است تا اقدام شخص را احسان و خود او را نیکوکار بدانیم.^۲

۲-۲-۲. وجود تکلیف شرعی، قانونی یا قراردادی

در نظام حقوقی ایران، مطابق «قانون مجازات خودداری از کمک به مصدومان و رفع مخاطرات جانی»، همه اشخاص جامعه قانوناً موظف هستند به دیگران کمک کنند. البته این وظیفه تنها مربوط به شرایطی خاص است که خطر جانی وجود دارد؛ نظیر نقص عضو و یا عوارض صعب‌العلاج و...^۳ دلیل عدم مصونیت اشخاصی که برحسب وظیفه خود به دیگران کمک می‌کنند در این است که اقدامات این اشخاص رایگان نیست؛^۴ اشخاصی نظیر پزشکان اورژانس و یا آتش‌نشان‌ها برای امداد رسانی به دیگران اجرت و دستمزد دریافت می‌کنند، درحالی‌که عدم دریافت عوض از شرایط نیکوکاری است. برخی فقها به استناد آیه شریفه «وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ»^۵ انفاق به مسلمین را واجب کفائی می‌دانند.^۶ بنابراین، شخص بر اساس تکلیفی شرعی انفاق می‌کند؛ اگرچه در رد این نظر بیان شده که اصل برائت ذمه است و وجوب چنین تکلیفی نیازمند دلیل قطعی است که در فرض مذکور موجود نیست، اما نظر اول اقوی است.^۷ آیا می‌توان با توجه به نظر اول چنین نتیجه گرفت که در فقه وجود یک تکلیف، مانع از اجرای قاعده احسان و عدم مصونیت نیکوکار می‌شود؟ پاسخ منفی است؛ زیرا یکم اینکه، آیه شریفه حکمی تکلیفی را بیان می‌نماید؛ درحالی‌که ضمان یا عدم ضمان مربوط به احکام وضعی است. پس از آنجا که ملازمه‌ای میان حکم تکلیفی و وضعی نیست،^۸ تکلیف به احسان نیز موجب ضمان محسن نمی‌شود. دوم اینکه، در صورتی که بپذیریم تکلیف شرعی این آیه موجب ضمان محسن می‌شود، باید نقض قاعده احسان را نیز بپذیریم؛ زیرا این آیه به‌طور مطلق به احسان امر کرده است و اطلاق آن شامل همه مصادیق احسان می‌گردد. بنابراین، این وجوب نیز نظیر مواد قانونی مذکور مانع از مصونیت نیکوکار نیست. درنهایت، می‌توان نتیجه گرفت که در فقه و حقوق ایران وجود تکلیف قانونی یا شرعی، در صورتی که

۱. نک: بجنوردی، ۱۴۱۹ق: ۴/ ۱۷.

۲. نک: نجفی، بی‌تا: ۸.

۳. ماده ۱ و ۲ آیین‌نامه اجرایی قانون مجازات خودداری از کمک به مصدومان و رفع مخاطرات جانی مصوب ۱۳۵۴.

4. See: Rodway, 2009: 13.

۵. بقره: ۱۹۵.

۶. نک: حلی، ۱۴۰۴ق: ۴/ ۱۰۸.

۷. نک: حلی، ۱۴۲۸ق: ۲/ ۱۲۶-۱۲۷.

۸. نک: دزفولی، بی‌تا: ۱۴۰/۶.

به صورت رایگان و بدون عوض باشد، مانع مصونیت نیکوکار نمی‌شود، اما هنگامی که تکلیف قانونی یا قراردادی در برابر دریافت عوض باشد؛ نظیر تکلیف پزشکان مطابق ماده واحده مذکور و یا قرارداد این اشخاص با مراکز پزشکی، اشخاص مزبور از مسئولیت معاف نمی‌شوند.

۲-۳. ارتکاب تقصیر سنگین

آیا تقسیم‌بندی تقصیر سنگین و سبک در نظام حقوقی ایران قابل پذیرش است؟ اگر بپذیریم که مسئولیت مدنی مکافات تقصیر است؛ به گونه‌ای که تقصیر سنگین مسئولیت بیشتری می‌طلبد، تقصیر به سنگین، سبک، عمدی، قابل اغماض و غیرقابل اغماض تقسیم می‌شود.^۱ همچنان که برخی حقوقدانان نیز مفهوم تقصیر سنگین را پذیرفته‌اند.^۲ بند ۲ ماده ۴ قانون مسئولیت مدنی^۳ این شبهه را ایجاد می‌کند که شاید تقسیم‌بندی مذکور در نظام حقوقی ایران نیز قابل پذیرش باشد. باین حال، برخی دیگر از حقوقدانان درجه‌بندی تقصیر را نپذیرفته‌اند.^۴ در راستای نظر اخیر، بیان شده است که هدف مسئولیت مدنی مجازات تقصیر نیست تا به میزان آن کم‌وزیاد شود، بلکه هدف جبران خسارت است و مرتکب تقصیر باید خسارات وارده را جبران نماید؛ هرچند تقصیر ارتکاب‌یافته سبک باشد.^۵ لذا در حقوق ما تقصیر به سنگین و سبک تقسیم نمی‌شود و به همین دلیل ارتکاب هرگونه تقصیری از سوی نیکوکار سبب عدم ضمان و مسئولیت اوست. از سوی دیگر، برخی فقها معتقدند که تعدی و تفریط نیز با احسان قابل جمع نیست^۶ و لذا تعدی و تفریط مانع عدم ضمان شخص محسن شده^۷ و او مسئول اعمال خویش است؛^۸ به این معنا که تعدی و تفریط

۱. نک: کاتوزیان، ۱۳۸۸: ۲۰۶.

۲. نک: جنیدی، ۱۳۷۸: ۷۵.

۳. بند ۲ ماده ۴ قانون مسئولیت مدنی: «۲. هرگاه وقوع خسارت ناشی از غفلتی بوده که صرفاً قابل اغماض باشد و جبران آن نیز موجب عسرت و تنگدستی وارد کننده زیان شود».

۴. نک: کاظمی، ۱۳۸۴: ۱۲۳. در ماده ۱۶ قانون بیمه اجباری خسارات وارد شده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه مصوب ۱۳۹۵ از درجه تقصیر صحبت شده است که به نظر می‌رسد منظور میزان مسئولیت در برابر خسارت است نه درجه‌بندی تقصیر.

۵. نک: یزدانیا، ۱۳۸۶ ق: ۱/ ۴۱۳.

۶. نک: لنگرانی، ۱۴۱۶ ق: ۲۸۴.

۷. نک: عاملی، ۱۴۱۳ ق: ۲/ ۴۵۸.

۸. در رویه قضایی نیز در دادنامه ۹۱۰۹۹۷۰۲۷۰۱۰۰۷۳۱ مورخه ۲۰-۶-۱۳۹۱ شعبه ۱۸۲ دادگاه عمومی حقوقی تهران مسئولیت تقصیر عمدی (سنگین) را حتی در فرض امین بودن و شرط عدم مسئولیت نفی بر عهده مسبب زیان دانسته است که در شعبه ۵۶ دادگاه تجدیدنظر استان تهران تأیید شد، اما به نظر می‌رسد استفاده از عبارت «تقصیر عمدی یا در حکم عمد» به معنای درجه‌بندی تقصیر نبوده است:

(...شرطی با مفهوم عدم مسئولیت برای موجر علی‌الخصوص در مواقع حریق و آتش‌سوزی قید گردیده است، ولی به نظر این دادگاه، استناد خواننده به این شرط در قبال ادعای خسارت خواهان، نمی‌تواند موجه و مؤثر در مقام باشد؛ زیرا شرط عدم مسئولیت زمانی است که تقصیر عمدی یا در حکم عمدی مرتکب در قضیه دخیل نباشد؛ درحالی‌که به دلالت نظرات ←

مطالعه تطبیقی امکان طرح دعوی مسئولیت مدنی شخص نیکوکار... / نیازی و تقفی ۶۷

تقصیر محسوب می‌شود و شخصی که مرتکب تقصیر شده است، نباید از مسئولیت مصون بوده، ضامن قصور و اعمال خطای خویش نباشد،^۱ اما اگر نظریات یادشده صحیح باشد، نیکوکار در مقابل چه اعمالی فاقد مسئولیت است؟ زیرا در نظام حقوقی ایران مطابق ماده ۳۰۷ قانون مدنی، مبانی مسئولیت شامل غصب، اتلاف، تسبیب و استیفاء است. در تسبیب ارتکاب تقصیر شرط مسئولیت مسبب است^۲ و مطابق قانون مدنی تقصیر اعم از تعدی و تفریط است.^۳ لذا اگر نیکوکار در تعدی و تفریط مسئول باشد با اشخاص دیگر چه تفاوتی دارد و از چه نوع مسئولیتی معاف می‌شود؟ ماده ۵۱۲ قانون مجازات اسلامی نیز تقصیر نیکوکار را از اسباب ضمان او نمی‌داند و صرفاً عدم رعایت نکات ایمنی و موازین قانونی را موجب مسئولیت به شمار می‌آورد.

۲-۲-۴. اتلاف به وسیله نیکوکار

آیا نیکوکاری که در راه احسان، مرتکب تلف مال یا جان دیگری می‌شود، مسئول است؟ در فقه دو نظر مطرح شده است. عده‌ای معتقدند که قاعده اتلاف بنا بر اجماع و فتاوی مشهور فقها از وصف احسان خارج می‌شود و لذا محسن ضامن اتلاف خویش است.^۴ همچنان که پزشک نیز در صورت اذن، ضامن تلف مریض است: «أنه لا یبطل دم امرء مسلم». ^۵ بر اساس این نظر، قاعده احسان صرفاً در جایی کاربرد دارد که شخص سبب ضرر و زیان دیگری گردد، نه اینکه متلف باشد. از این رو، اگر کسی برای منفعت مردم چاهی حفر کند و سپس دیگری در آن بیفتد، چون مسبب بوده نه متلف، ضامن نیست.^۶ همچنین بیان شده است که اگر تلف به سبب آفات سماوی باشد، شخص محسن مسئول نیست.^۷ البته باید گفت در جایی که آفات سماوی عامل زیان وارده است،

→ کارشناسی، علی‌الخصوص هیئت سه نفره از کارشناسان رسمی دادگستری، خوانده به جهت سهل‌انگاری و عدم رعایت مقررات ایمنی و پیشگیری از حریق به وجود آمده به میزان پنجاه درصد در وقوع حادثه مقصر بوده است و انجام ندادن تکالیف قانونی و تعهدات مصرحه یا ضمنی قرارداد خود تقصیر محسوب می‌گردد، علی‌الخصوص که در مشاغلی مثل انبارداری، ضرورت رعایت مقررات ایمنی و اقدامات پیشگیری‌کننده از سوی مالک یا موجر برجسته بوده و مراقبت و دقت مضاعفی را ایجاب می‌نماید. آنچه مسلم است خواننده در اجتماع با اسباب دیگر برای اتلاف اموال خواهان از طریق تسبیب که شرط آن تقصیر بوده است به نوعی مقدمه‌سازی کرده و موجبات ایجاد آتش‌سوزی و حریق و اتلاف اموال موجود در انبار را فراهم کرده است...». نک: دادنامه ۱۳۰۱۳۰۲۲۲۱۰۰۹۹۷۰۹۲۰۹۹۷۰۲۲۲۱۰۰۱۳ شعبه ۲۱ دادگاه تجدیدنظر استان تهران و دادنامه شماره ۸۰۰۸۰۲ مورخه ۹۱/۸/۸ صادره از شعبه ۱۰۳۳ دادگاه عمومی تهران (مجموعه آرای قضایی دادگاه تجدیدنظر استان تهران شهریور ۱۳۹۱).

۱. نک: مکارم شیرازی، ۱۴۱۱ ق: ۹۴/۱.

۲. نک: کاتوزیان، ۱۳۹۱: ۲۱۳/۱.

۳. ماده ۹۵۳ قانون مدنی: «تقصیر اعم است از تفریط و تعدی» و وفق تبصره ماده ۱۴۵ قانون مجازات اسلامی: «تقصیر، اعم است از بی‌احتیاطی، بی‌مبالاتی، عدم مهارت، عدم رعایت نظامات دولتی».

۴. نک: نجفی، ۱۴۲۲ ق: ۱۲۳.

۵. نک: نجفی، ۱۴۰۴ ق: ۴۳/۴۵.

۶. نک: گیلانی، بی‌تا: ۳۳.

۷. نک: جمعی از پژوهشگران، ۱۴۲۳ ق: ۳۵/۷.

معافیت از مسئولیت قاعده‌ای عام است نه خاص نیکوکاران؛ زیرا در این حالت رابطه علیت میان فعل شخص و زیان وارده از بین می‌رود.^۱ نظر دوم بر این است که اگر اتلاف از روی عمد نباشد، ممکن است با قاعده احسان جمع شود و متلف محسن، ضامن نباشد.^۲ به نظر می‌رسد دیدگاه دوم با عدالت و فلسفه قاعده احسان و مصونیت نیکوکار سازگارتر است؛ زیرا عدم مسئولیت محسن به این دلیل است که شکر منعم نیکوست و محسن بی‌شک منعمی است که پذیرش ضمان او کفران نعمت‌های او خواهد بود.^۳ فلسفه مصونیت نیکوکار نیز تشویق مردم به کمک به دیگران است و اتلاف مال یا جان غیر همچون تسبیب بوده، ویژگی خاص دیگری ندارد که مسئولیت ناشی از آن را بر فاعل تحمیل نماییم. در فقه نیز بیان شده است که عدوان شخص با احسان بعدی او از بین نمی‌رود.^۴

۳. مسئولیت نیکوکار در مواقع اضطراری

شرایط اضطراری عبارت است از وضعیت اقتصادی، اجتماعی، جسمی یا هر فشار دیگری که شخص تحت تأثیر آن، ناچار به انجام عملی می‌گردد.^۵ فقها معتقدند که به‌عنوان قاعده کلی، اضطرار موجب معاف شدن شخص در برابر خسارات وارده به دیگری نمی‌شود.^۶ در مقابل، ممکن است گفته شود که حدیث رفع^۷ «ما اضروا الیه» درباره قاعده اضطرار است و در این مواقع تکلیف برداشته می‌شود،^۸ اما حدیث رفع برای امتنان به امت است و در مقابل این امتنان، احترام به مال مسلم قرار دارد و در صورت اتلاف مال او، ضمان مرتفع نمی‌شود. بنابراین، در صورت اضرار به غیر، مانند دیگر محرمات، دفع ضرر واجب است.^۹ از سوی دیگر، عده‌ای با استناد به قاعده فقهی

۱. نک: افشار قوچانی، ۱۳۸۹: ۱۴۳.

۲. نک: لنکرانی، ۱۴۱۶: ق: ۲۹.

۳. نک: علیدوست، ۱۳۸۷: ۱۹.

۴. نک: نائینی، ۱۴۱۳: ق: ۷۱/۱.

۵. نک: شهیدی، ۱۳۸۶: ۱۸۳/۱.

۶. نک: عاملی، بی‌تا: ۴۵۰/۵؛ نجفی، ۱۴۰۴: ق: ۱۵۳/۴۳.

۷. «حدثنا محمد بن احمد بن يحيى العطار رضى الله عنه قال: حدثنا سعد بن عبدالله عن يعقوب بن يزيد عن حماد بن عيسى عن حريز بن عبدالله عن ابي عبدالله قال: قال رسول الله رفع عن امتي تسعة، الخطا والنسيان وما اكرهوا عليه وما لا يعلمون وما لا يطيقون وما اضطروا اليه والحسد والطيرة والتفكر في الوسوسة في الخلق ما لم ينطق بشفة؛ امام صادق می‌فرماید: که رسول خدا فرموده است: از امت من نه چیز برداشته شده است: خطا و فراموشی و آنچه از روی اکراه باشد، آنچه را که نمی‌دانند آنچه را که طاقت ندارند و آنچه مورد اضطرار است و حسادت و نفاق و وسواس فکری در امور آفرینش تا هنگامی که بر زبان جاری نگردد» (صدوق، خصال، ۱۴۱۷: ق: ۳۵۳). چیزی که در این حدیث موردنظر است و بدان وسیله قاعده را اثبات می‌کنند، جمله «ما اضطروا اليه» است؛ زیرا در این حدیث به جمله «ما اضطروا اليه» برای اثبات قاعده اضطرار استدلال شده است.

۸. جمعی از مؤلفان، بی‌تا: ۱۵۹/۹.

۹. نک: دزفولی، بی‌تا: ۳۲۴/۱.

مطالعه تطبیقی امکان طرح دعوای مسئولیت مدنی شخص نیکوکار... / نیازی و تقفی ۶۹

«الجواز الشرعی ینافی الضمان»، ضمان را منتفی می‌دانند^۱ و معتقدند در جایی که اذن و اباحه شرعی وجود دارد، ضمان منتفی می‌شود؛ بنابراین چون مضطر با اذن شارع مرتکب عمل زیان‌بار شده است، ضامن نیست. ^۲ در پاسخ به این استدلال گفته شده است که مجرد اذن شارع به تصرف نافی ضمان نیست، مگر از دلایل دیگر، نفی ضمان استنباط شود. ^۳ ماده ۵۵ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۷۰) نیز در تأیید عدم نفی ضمان، در شرایط اضطراری، دیه و ضمان مالی را ثابت می‌داند. گرچه این نظر در مورد شخصی که به منظور حفظ جان و مال خود اقدام می‌کند، صحیح است، اما آیا نمی‌توان بر اساس قاعده احسان، ضمان محسن را منتفی دانست؟ در این راستا بیان شده است اگر احسان در خصوص همان شخصی باشد که زیان‌دیده، محسن معاف از ضمان است، اما اگر برای نجات جان شخصی به دیگری صدمه زند، معاف نیست. ^۴ لیکن قاعده احسان، غیر از مواردی که درباره ضمان شخص نیکوکار مطرح شد، محسن را از همه صدمات و خسارات معاف می‌کند. همچنین، بیشتر اعمال نیکوکارانه در شرایط اضطراری انجام می‌گیرد؛ همچنان که قوانین مربوط به مصونیت نیکوکاران نیز مربوط به همین شرایط است. از سوی دیگر، اگر بیان شود که ماده ۵۵ قانون مجازات مصوب ۱۳۷۰ ضمان و دیه را ثابت می‌داند، باید گفت که در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ این مورد حذف شده است و ماده ۱۵۲ قانون جدید مقرر می‌دارد: «هرکس هنگام بروز خطر شدید فعلی یا قریب‌الوقوع از قبیل آتش‌سوزی، سیل، طوفان، زلزله یا بیماری، به منظور حفظ نفس یا مال خود یا دیگری مرتکب رفتاری شود که طبق قانون جرم محسوب می‌شود، قابل مجازات نیست، مشروط بر اینکه خطر را عمداً ایجاد نکند و رفتار ارتكابی با خطر موجود متناسب و برای دفع آن ضرورت داشته باشد. تبصره: کسانی که حسب وظیفه یا قانون مکلف به مقابله با خطر هستند، نمی‌توانند با تمسک به این ماده از ایفای وظایف قانونی خود امتناع نمایند» و درباره دیه و ضمان مالی ساکت است.

لیکن میان این ماده و معافیت نیکوکار تعارضی نیست؛ چراکه در ماده ۵۱۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ آمده است: «هرگاه شخصی با انگیزه احسان و کمک به دیگری رفتاری را که به جهت حفظ مال، جان، عرض یا ناموس او لازم است، انجام دهد و همان عمل موجب صدمه و یا خسارت شود در صورت رعایت مقررات قانونی و نکات ایمنی، ضامن نیست». حقوق‌دانان معتقدند که منظور از عدم ضمان، مسئولیت مدنی است.^۵

۱. نک: کاشف الغطا، ۱۳۵۹: ۶۶/۱؛ البوزنو، ۱۴۲۳ ق: ۵۸.

۲. نک: پارساپور، ۱۳۸۲: ۱۴۷.

۳. نک: جمعی از مؤلفان، بی‌تا: ۲۳۶/۵۳.

۴. نک: پارساپور، ۱۳۸۲: ۱۵۲.

۵. نک: بهرامی احمدی، ۱۳۹۵: ۱۵۸؛ صفایی و رحیمی، ۱۳۹۵: ۱۸۷.

وفق این مواد قانونی، جنبه کیفری اعمال محسن مرتفع شده است؛ یعنی محسن را نمی‌توان به دلیل ایراد ضرر و زیان به مال یا اموال مصدوم یا مصدومان، مجرم تلقی و مجازات کرد. این امر در ماده ۵۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ نیز آمده بود و تبصره ماده مذکور اشعار می‌داشت: «دیه و ضمان مالی از حکم این ماده مستثناست»، امری که در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ دیده نمی‌شود و حذف آن، مورد انتقاد برخی از حقوق‌دانان قرار گرفته است^۱ که شاید به معنای پذیرش عدم ضمان محسن بر اساس قواعد فقهی «احسان» و ضرورت^۲ باشد، یا به علت جدایی قوانین کیفری از قوانین حقوقی ذکر نشده است.^۳

اما قاعده احسان، به‌رغم نظر برخی^۴ نافی حکم وضعی نیست و تنها رافع حکم تکلیفی است.^۵ در واقع، اگر کسی از روی احسان و برای کمک به دیگری، مضطر به ضرر ثالثی شود، جبران زیان ثالث بر عهده کسی است که محسن برای کمک به او اضطراراً به ثالث ضرر زده است، مگر آنکه عمل محسن بیش‌ازاندازه اضطرار موجود باشد یا بین دو ضرر، محسن ضرر کمتر را انتخاب نکند^۶ که در این صورت، شخص محسن مسئول زیان ناشی از فعل ارتكابی است.^۷

اما نکته قابل توجه این است که طبق قاعده لاضرر، هرگونه ضرری نفی شده است و نباید ضرر جبران‌نشده‌ای باقی بماند.^۸ بنابراین، اگر شخص نیکوکار را از مسئولیت معاف بدانیم، ضرر و زیان وارده به متضرر که در راستای نجات دیگری ایجاد شده است چگونه جبران می‌شود؟ در پاسخ گفته شده که جبران خسارت بر عهده کسی است که از طریق عمل محسن، جان یا مال خود را بازیافته است،^۹ اما اگر این‌گونه باشد، ضمان این شخص بر چه مبنایی است؟ مبنای ضمان منتفع را می‌توان با قاعده «من له الغنم فعلیه الغرم» توجیه کرد؛^{۱۰} زیرا مطابق این قاعده هرکس که انتفاعی می‌برد باید پاسخگوی زیان‌های وارده از این طریق نیز باشد.^{۱۱} همچنان که برخی برای

۱. نک: بهرامی احمدی، ۱۳۹۵: ۲۹۰.

۲. قاعده «الضرورات تبيح المحظورات» بیان می‌دارد: «ضرورت‌ها موجب مباح شدن محظورات می‌شوند» بر اساس این قاعده ضرورت مانع قانونی را از میان برمی‌دارد.

۳. نک: حیاتی، ۱۳۹۲: ۱۹۰.

۴. نک: کاتوزیان، ۱۳۷۸ ب: ۶۰.

۵. نک: خوبی، ۱۳۷۶: ۲۷۰/۲؛ یزدی طباطبایی، بی‌تا: ۱۲۰.

۶. نک: ره پیک، ۱۳۹۵: ۸۹؛ بهرامی احمدی، ۱۳۹۵: ۲۸۵.

۷. نک: باریکلو، ۱۳۹۳: ۱۱؛ صفایی و رحیمی، ۱۳۹۵: ۱۸۶.

۸. نک: شاهرودی، ۱۴۱۹ ق: ۱۳۵.

۹. نک: اردبیلی، ۱۳۸۵: ۱/۱۷۹؛ صفایی و رحیمی، ۱۳۹۵: ۱۸۶؛ بهرامی احمدی، ۱۳۹۵: ۲۹۶.

۱۰. نک: صفایی و رحیمی، ۱۳۹۵: ۱۸۶. برخی نیز مبنای مراجعه را اداره مال غیر دانسته‌اند.

۱۱. نک: طاهری، ۱۴۱۸ ق: ۲/۲۸۵.

مطالعه تطبیقی امکان طرح دعوای مسئولیت مدنی شخص نیکوکار... / نیازی و تقفی ۷۱

توجه مسئولیت بیت المال در پرداخت دیه برخی اشخاص، به این قاعده استناد کرده‌اند و می‌گویند همان‌گونه که حاکم شرع از اعمال اشخاص منتفع می‌شود و یا در صورت فقدان وراثت، وارث متوفی می‌گردد، ضامن پرداخت دیه برخی اشخاص نیز است.^۱

نتیجه‌گیری

اگرچه مطابق قاعده احسان و نظریه مصونیت نیکوکار، اشخاص نیکوکار از مسئولیت مبری هستند، اما این امر مجوز انجام هر عملی و مصونیت از هر ضراری نیست. در این راستا، برخی فقها چندان سخت‌گیری کرده‌اند که حتی اتلاف و تسبیب از سوی محسن را نیز از موجبات مسئولیت او می‌دانند که اگر این نظر صحیح باشد، موردی برای معافیت محسن باقی نخواهد ماند. همچنین در نظام حقوقی کامن‌لا برای مسئولیت نیکوکاران مواردی مطرح شده است که جایگاهی در حقوق ایران ندارد. ارتکاب تقصیر سنگین از جمله این موارد است که به دلیل عدم شناسایی درجه‌بندی تقصیر در حقوق ایران قابل پذیرش نیست. بنابراین، به جهت اتخاذ رویه عادلانه که نه قاعده احسان را بدون مصداق جلوه دهد و نه نیکوکاران را مصون از هرگونه اضرار معرفی کند، شناسایی مواردی برای تخصیص این معافیت ضروری است. اضرار عمدی از سوی نیکوکار، قرار دادن دیگران در وضعیتی وخیم‌تر و وارد کردن ضرر بیشتر به دیگران، از جمله مواردی است که موجب مسئولیت نیکوکار می‌شود. همچنین، اشخاصی که مطابق وظیفه قانونی یا قراردادی خود به انجام اعمال نیکوکارانه می‌پردازند، از مسئولیت معاف نیستند؛ زیرا این‌گونه اشخاص در برابر اعمال خود اجرت و دستمزد دریافت می‌کنند. از سوی دیگر، شرایط اضطرار، برخلاف تصریح ماده ۵۵ قانون مجازات سابق (که در قانون مجازات مصوب ۱۳۹۲ مشاهده نمی‌شود)، در همه حالت‌های آن احسان صادق نیست و به نظر برخی فقها و حقوقدانان، از استثنائات قاعده احسان نیست و موجب ضمان شخصی است که برای حفظ جان یا مال خود اقدام می‌کند و موجب عدم امکان طرح دعوای مسئولیت مدنی نیست.

۱. نک: نجفی، ۱۳۸۱: ۴۸۲/۱؛ بهرامی احمدی، ۱۳۹۵: ۲۹۶.

۲. پیشنهاد مسئولیت مدنی دولت در پرداخت زیان ناشی از عمل محسن در عملیات امدادی داده شده است تا زیان متضرر بدون جبران باقی نماند (نک: یزدانپان و نیازی، ۱۳۹۶: ۶۶).

کتابنامه

الف. کتب و مقالات

الف-۱: فارسی

- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۸۵)، حقوق جزای عمومی، جلد ۱، چاپ دهم، تهران: میزان.
- افشار قوچانی، زهره (۱۳۸۹)، «قوه قاهره و مسئولیت مدنی»، ماهنامه کانون، شماره ۱۱۳، صص ۱۲۳-۱۴۱.
- آیتی، سیدمحمدرضا و علی پورجوهری (۱۳۸۷)، «نقش قاعده احسان در مسئولیت مدنی پزشک»، فصلنامه فقه و مبانی حقوق، سال پنجم، شماره ۱۴، صص ۱۱-۲۶.
- باریکلو، علیرضا (۱۳۹۳)، مسئولیت مدنی، چاپ پنجم، تهران: میزان.
- بهرامی احمدی، حمید (۱۳۹۵)، ضمان قهری، چاپ دوم، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- پارساپور، محمدباقر (۱۳۸۲)، «اضطرار در حقوق مسئولیت مدنی»، نامه مفید، سال نهم، شماره ۴۰، صص ۱۴۱-۱۵۸.
- جمعی از مؤلفان (۱۳۸۲)، مجله فقه اهل بیت، جلد ۹ و ۵۳، چاپ اول، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت.
- جنیدی، لعلیا (۱۳۷۸)، «تقصیر زیان دیده»، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۴۶، صص ۵۱-۹۱.
- حیاتی، علی عباس (۱۳۹۲)، مسئولیت مدنی، چاپ یکم، تهران: میزان.
- سعدی، حسین علی (۱۳۹۰)، «تحلیل مسئولیت پزشک در قبال خسارات غیر عمدی در پرتو قاعده احسان»، فصلنامه فقه پزشکی، سال سوم، شماره ۷ و ۸، صص ۴۱-۷۱.
- شاهرودی، سید محمود هاشمی (۱۴۱۹ ق)، بایسته‌های فقه جزا، چاپ اول، تهران: میزان.
- الشریف، محمدمهدی (۱۳۹۲)، منطق حقوق، چاپ دوم، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- شهیدی، مهدی (۱۳۸۶)، تشکیل قراردادها و تعهدات، جلد ۱، چاپ ششم، تهران: مجد.
- صفائی، سیدحسین (۱۳۶۴)، «مفهوم تقصیر سنگین در ارتباط با شرط عدم مسئولیت»، مجله حقوقی بین‌المللی، شماره ۴، صص ۱۶۵-۱۹۶.
- صفایی، سیدحسین و حبیب‌اله رحیمی (۱۳۹۵)، مسئولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد)، چاپ نهم، تهران: سمت.
- طاهری، حبیب‌الله (۱۴۱۸ ق)، حقوق مدنی، جلد ۲، چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- عبدی، یاسر (۱۳۹۷)، «تحلیل فقهی حقوقی آثار اضطرار در مسؤلیت غیر قراردادی»، فصلنامه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، سال چهاردهم، شماره ۵۱، صص ۷۷-۹۸.

مطالعه تطبیقی امکان طرح دعوای مسئولیت مدنی شخص نیکوکار... / نیازی و تقفی ۷۳

علیدوست، ابوالقاسم (۱۳۸۷)، «قرآن کریم و قاعده "احسان"»، فقه و حقوق، سال پنجم، شماره ۱۷، صص ۷-۳۸.

کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۸)، «تحول مفهوم تقصیر در حقوق مسئولیت مدنی»، فصلنامه حقوق، دوره ۳۹، شماره ۱، صص ۱۸۹-۲۱۴.

کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۱)، مسئولیت مدنی، الزام‌های خارج از قرارداد، جلد ۱، چاپ یازدهم، تهران: دانشگاه تهران.

کاظمی، محمود (۱۳۸۴)، «آثار تقصیر زیان‌دیده بر مسئولیت مدنی»، فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، شماره ۲۸، صص ۱۰۹-۱۴۲.

کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۷)، دوره مقدماتی، حقوق مدنی اعمال حقوقی، چاپ سیزدهم، تهران: شرکت سهامی انتشار.

محقق داماد، سیدمصطفی (۱۴۰۶ ق)، قواعد فقه، جلد ۲ و ۳، چاپ دوازدهم، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.

مصطفوی، سیدمصطفی (۱۳۸۴)، «احسان؛ منبع مسئولیت»، فقه حقوق، سال دوم، شماره ۶، صص ۶۳-۸۸.

یزدانیان، علیرضا (۱۳۸۶)، حقوق مدنی، قواعد مسئولیت مدنی، جلد ۱، چاپ اول، تهران: میزان.
یزدانیان، علیرضا و عباس نیازی (۱۳۹۶)، «بررسی مسئولیت مدنی امدادگران، ناشی از حیوانات مورد استفاده در عملیات امدادی»، فصلنامه علمی - پژوهشی امداد و نجات، دوره نهم، شماره ۳۶، صص ۵۴-۶۸.

الف-۲: عربی

ابن منظور، ابوالفضل، جمال‌الدین، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ ق)، لسان العرب، جلد ۱۱، چاپ سوم، بیروت: دار الفکر الطباعة و النشر و التوزيع.

آل کاشف الغطاء، محمدحسین (۱۳۵۹ ق)، تحریر المجله، جلد ۱، نجف: مؤسسه کاشف الغطاء.
بجنوردی، سیدحسن بن آقابزرگ موسوی (۱۴۱۹ ق)، القواعد الفقهیه، جلد ۴، چاپ اول، قم: الهادی.
البوزنو، محمدصدقی احمد (۱۴۲۳ ق)، موسوعه القواعد الفقهیه، جلد ۵، چاپ ۱، بیروت.

جمعی از پژوهشگران زیر نظر شاهرودی، سیدمحمود هاشمی (۱۴۲۳)، موسوعه الفقه الاسلامی طبقاً لمذهب اهل‌البیت، جلد ۷، چاپ اول، قم: مؤسسه دائرةالمعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل‌بیت.
حلی، مقداد بن عبدالله سیوری (۱۴۰۴ ق)، التنقیح الرائع لمختصر الشرائع، جلد ۴، چاپ اول، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.

حلی، نجم‌الدین جعفر بن زهدری (۱۴۲۸ ق)، ایضاح ترددات الشرائع، جلد ۲، چاپ دوم، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.

- دزفولی، مرتضی بن محمد امین انصاری (بی تا)، فراند الأصول، جلد ۶ و ۱، قم: دفتر انتشارات اسلامی. رشتی، میرزا حبیب الله (بی تا)، کتاب الغصب، بی تا.
- عاملی، سید جواد بن محمد حسینی (بی تا)، مفتاح الكرامه فی شرح قواعد العلامه، جلد ۵، چاپ اول، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۱۳ ق)، مسالك الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام، جلد ۲، چاپ اول، قم: مؤسسه المعارف الإسلامیه.
- لنکرانی، محمد فاضل موحدی (۱۴۱۶ ق)، القواعد الفقهیة، چاپ اول، قم: خانه مهر.
- مراغی، سید میر عبد الفتاح بن علی حسینی (۱۴۱۷ ق)، العناوین الفقهیة، جلد ۲، چاپ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- مصطفوی، سید محمد کاظم (۱۴۲۱ ق)، القواعد - مائه قاعده فقهیة، چاپ چهارم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۱۱ ق)، القواعد الفقهیة، جلد ۱، قم: مطبعة الحکمه، مدرسه امام علی علیه السلام.
- نائینی، میرزا محمد حسین غروی (۱۴۱۳ ق)، المكاسب و البیع، جلد ۱، چاپ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- نجفی، کاشف الغطاء، جعفر بن خضر مالکی (۱۳۸۱ ق)، القواعد الستة عشر، نجف: مؤسسه کاشف الغطاء.
- نجفی، کاشف الغطاء، حسن بن جعفر بن خضر (۱۴۲۲ ق)، أنوار الفقاهة - کتاب المكاسب، چاپ اول، نجف: مؤسسه کاشف الغطاء.
- نجفی، کاشف الغطاء، علی بن محمد رضا بن هادی (۱۳۸۱ ق)، النور الساطع فی الفقه النافع، جلد ۱، چاپ اول، نجف: مطبعة الآداب.
- نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴ ق)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، ج ۴۳، چاپ هفتم، بیروت: دار إحياء التراث العربی.